

دراسة البناء اللغوي لمختارات حسين منزوي

مدرس مساعد وثامر علي عبد الواحد

جامعة بغداد / كلية اللغات قسم اللغة الفارسية

A Study of the Linguistic Structure of Hussain Manzawi an theologies.

Weam Ali Abdul Wahid

Assistant instructor

University of Bagdad

College of Language – Department of the Persian
Language.

Weam.A@colang.uobaghdad.edu.iq

DOI 10.58564/MABDAA.62.2.2023.315

خلاصة البحث

تُسلطُ البنية اللغوية للشعر العلاقة بين ذهن الشاعر مع عالمه الداخلي و الخارجي، حيث يمكن من خلال البنية اللغوية نقل افكار و مشاعر الشعراء و التمتع بجمالية الكلام، يرى المتخصصون في البنية اللغوية بتحليل العمل الأدبي بثلاثة عناوين: النظام الصوتي و النظام النحوي. يتناول هذا النص تحليل البنية اللغوية للغزليات المختارة للشاعر حسين منزوي و يتناول السمات الهامة في مجال النظام الصوتي و النظام اللغوي و النحوي. يستخدم الشاعر الألفاظ القديمة رغم علمه بأنها غير متداولة حالياً و مرتبطة بالماضي، لكنه اعتقد انها تجذب الانتباه و تضيف جمالاً لقصائده. تم تحديد و استخلاص عناصر الموسيقى في شعره. بالإضافة الى ذلك، تم تحديد الكلمات المفتاحية في الغزليات و تم تحليل ترتيب الجمل و الكلمات و التراكيب، و هي واحدة من اهم سمات شعر منزوي في البنية اللغوية. يبدو أن التكرار و الصوت و الكلمة و احياناً الجمل القصيرة من اهم العوامل التي تجعل شعر منزوي موسيقياً. استخدام الكلمات الحديثة و استخدام أفعال لغة الناس العادية و استخدام الجمل القصيرة مع الفعل المقدم على بقية اجزاء الجملة، بناء الكلمات الجديدة، استخدام الكلمات و المصطلحات الرياضية و غيرها من السمات اللغوية و النحوية تُعد من سمات غزل منزوي. الكلمات المفتاحية: البناء اللغوي، شعر معاصر، غزل، حسين منزوي.

Abstract

The linguistic structure shows the relationship between the poet's mind and his inner and outer world. Where is possible through the linguistic structure to convey the ideas and feelings of poets and enjoy the beauty of speech. Linguistic structure specialists see that the analysis of a literary work has three headings: Audio system, language system and grammatical systems. The poet uses old words, although he knows that they are not currently used and linked to the past, but he believed that the attract attention and add beauty to his poems. The musical elements in his poetry and the key words in the yarns were identified and extracted, in addition to analyzing the arrangement of sentences, words and structures, which are the most important features of manzawis poetry in the linguistic structure. It seems that the repetition, the sound the word, and sometimes the short sentences are the most important factors that make the poetry of Mizwar musical. Among the linguistic and grammatical features that are considered the features of manzawis yarn are the use of modern words, the use of people's slang verbs, short sentences with the verb submitted over the rest of the sentence, the construction of new words, the used of mathematical terms, and other features

Key Words: Linguistic Structure, Modern Poetry, Spinning, Hussain Manzawi,

ساختار زبان شعری، پیوند ذهن شاعر و درونیات او با جهان خارج را قم می زند. از طریق ساختار زبانی، می توان به اندیشه ها و احساسات شاعران راه برد و در کنار آن، از زیبایی کلام نیز لذت برد. صاحب نظران، ساختار زبانی یک اثر ادبی را با سه عنوان نظام نحوی، صرفی، و معنایی مورد بررسی قرار می دهند. این نوشتار به بررسی ساختار زبانی غزل های برگزیده حسین منزوی می پردازد. و شاخص های مهم زبانی در حوزه نحوی، واژگانی و صرفی را مورد بررسی قرار می دهد. حسین منزوی تکرار افعال، وارد کردن افعال عامیانه در شعر و عبارات های فعلی استفاده می کند. شاعر حسین منزوی، از واژگان قدیمی استفاده می کند. او به خوبی می داند که با استفاده از واژگان که در زمان او متداول نیست و مربوط به گذشته است می تواند جلب توجه می کند و زیبایی به اشعار او می بخشد. به این منظور عناصر موسیقی آفرین در شعر او شناسایی و استخراج شده است. در ضمن برای دست یافتن به نظام واژگانی غزلیات، کلید واژه های مورد توجه، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است. چیدمان جمله ها، واژه ها و ترکیبات نیز یکی از مهم ترین شاخص های شعر منزوی در ساختار زبانی شعر اوست. به نظر می رسد در حوزه آوایی، تکرار واج، واژه و گاهی جمله های کوتاه، از مهم ترین عوامل آهنگین کردن شعر منزوی به شمار می روند. به کار گیری واژگان امروزی، استفاده از افعال زبان مردم عادی، کاربرد جملات کوتاه، تقدیم فعل بر دیگر اجزای جمله، ساخت لغات نو، کاربرد واژگان و اصطلاحات علم ریاضی و..... از جمله ویژگی های واژگانی و نحوی غزل منزوی محسوب می شوند. **کلید واژگان:** ساختار زبانی، شعر معاصر، غزل، حسین منزوی

پیشگفتار

راهیابی به معنا و مفهوم نهفته در اشعار، در گرو شناخت جنبه های فراوان کلام است. ساختار زبانی اشعار از جمله برجسته ترین جنبه های به شمار می روند، می توانند مخاطب را به معنایی اشعار رهنمون باشد. از این راه، منتقدان ادبی، در بررسی آثار، به زبان حاکم بر آن، توجه ویژه ای دارند. و گروهی مانند فرمالیست ها، واکاوی شعر را فقط در حوزه ساختار، مجاز می دانند. در شعر فارسی، ساختار ظاهری شعر، از پر مناقشه ترین مباحث به شمار می رود و ساختار زبانی در این میان نقش مهمی ایفا می کند. شعر معاصر تاریخ ادبیات ایران، بیشتر با قالب هایی چون نیمایی، سپید، آزاد و... تعریف می شود اما در این میان، قالب های سنتی اعم از مثنوی و غزل نیز، حامل افکار و احساسات شاعران است. آنچه مرز بین شعر معاصر و شعر سنتی را مشخص می کند، ساختار زبانی این اشعار است. در بررسی غزل شعر معاصر، می توان از طریق تحلیل ساختار زبانی اشعار، علاوه بر درک معانی اشعار و کسب لذت ادبی، مرز بین سنت و تجدد در عرصه غزل را مشخص کرد. ساختار در لغت به معنی اسکلت و استخوان بندی است و در اصطلاح ادبیات، به طور کلی به شیوه سازماندهی و مجموع روابط عناصر و اجزای سازنده یک اثر ادبی با یک دیگر اطلاق می شود. حسین منزوی از جمله شاعران به شمار می رود که توانست با ایجاد شگردهای زبانی در ساختار ظاهری شعر، به غزل رنگی مدرن و امروزی ببخشد. این نوشتار بر آن است تا بررسی سه شاخص مهم زبانی اعم از ویژگی های آوایی، نظام واژگانی و خصوصیات نحوی غزل های منزوی، به ساختار زبانی شعر منزوی دست یابد. اهمیت این پژوهش، در جایگاه غزل منزوی در شعر معاصر است. تبیین نقش عوامل زبانی در زیباشناختی شعر و درک معانی نهفته در اشعار نیز، مد نظر این پژوهش است.

پیشینه تحقیق

تا کنون پژوهش های متعددی در رابطه با ساختار زبانی شعر معاصر صورت گرفته که می توانند در این بررسی، مورد استناد قرار بگیرد. امین رحیمی و حجت الله امید علی (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان " بررسی زبان غزل محمد علی بهمنی " به بررسی شاخص های زبانی مهم در شعر بهمنی پرداخته و میزان تأثیر پذیری او از شعر معاصر و سنتی را مورد ارزیابی قرار داده اند. حسین آریان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با نام " تحلیل ساختار زبانی شعر اوستا " به ویژگی های نحوی شعر اوستا و تأثیر پذیری او از ادبیات سنتی پرداخته اند. جواد طاهری و سمیه سلیمان (۱۳۹۱) در " نوآوری های حسین منزوی در غزل " به بررسی شیوه های نو منزوی در سرایش غزل پرداخته و استفاده از نمادهای امروزی، به کار گیری زبان حماسی در حوزه شعر و به کار گیری دایره واژگان امروزی از جمله نوآوری های غزل منزوی قلمداد شده است.

نگاهی به زندگی حسین منزوی

«حسین منزوی فرزند محمد به سال ۱۳۲۵ شمسی شاعر در زنجان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در این شهر سپری کرد. و دیپلم ادبی اش را از مدرسه صدر جهان اخذ مدرک کرد». (نیرومند، ۱۳۴۷: ۱۴۰). «در ادامه، به تحصیل رشته ادبیات در دانشگاه تهران پرداخت اما بنا شرایط روحی، نتوانست به ادامه تحصیل بپردازد. بعد از سپری شدن ده ساله دوباره به تحصیل در این رشته پرداخت. و در سال ۱۳۵۸ شمسی موفق به اخذ مدرک لیسانس شد». (کاخی، ۱۳۷۰: ۳۴۷). از آثار منظوم وی می توان به مجموعه های زیر اشاره کرد:

حجره زحمتی تغزل، از خاموشی ها و فراموشی، با عشق در حواله فاجعه، از شوکران و شکر، این ترک پارسی گوی، با سیاهش از آتش، از کهریا تا کافور، از ترمه و تغزل، به همین سادگی، با عشق تاب می آورم، این کاغد جامه، تغزلی در باران، صفرخان، ترجمه منظومه ترکی "حیدر بابا" «منزوی به کارگیری نظام واژگانی جدید و استفاده از ساختارهای نحوی برجسته توانست در غزل قدیمی. او خود در گفتگوهایش اذعان می دارد که از میان قالب های سنتی، فقط غزل و مثنوی و ظرفیت حمل شعر با مضامین امروزی را هستند و سهم غزل، بیشتر است. پیشینه غزل و پیشخوانه ای که از آن از برخوردار اسیت، بیانگ کارایی غزل در عرصه شعر معاصر است». (منزوی، ۱۳۸۷: ۱۸۱۷). او به سرعت توانست که خود را در محافل ادبی تهران مطرح کرد تا آنجا که مرحوم مهدی سهیلی که در سال ۱۳۴۵ برنامه ای را با نام "کاروان شعر و موسیقی" در رادیو اجرا می کرد، در یکی از برنامه ها. هایش او را دعوت کرد، اتفاقاً در همان برنامه آقای دکتر باستانی پاریزی که استاد حسین هم بود، از او تعریف و تمجید کرد. تا گفته نماند که رابطه صمیمی و دوستانه ای آنها تا آخر نیز همچنان پایدار. منزوی رشته زبان و ادبیات فارسی را رها کرد و به رشته جامعہ شناسی رو آورد پس از مدتی به علت مشکلات روحی تحصیلات خود را نا تمام گذاشت و به زادگاه خویش بازگشت. (ن.ک: نیرومند، ۱۳۴۷: ۳۳۱). «منزوی آن چنانکه از اشعارش نیز بر می آید، همیشه عاشق بود و عشق قوی ترین عنصری بوده محرک و عامل اصلی سر و دین اغلب اشعار او می شد. هرگاه که فترتی در جریان عاشقی او پیدا می شد تأثیر مستقیمی نیز در شعرش داشت عامل مهم دیگری که به شدت در روحیه و شعر منزوی تأثیر گذاشت، مرگ برادر کوچک تر از خودش، حسین منزوی، بود منزوی در بیشتر قالب هایی چون نمایی، سپید، چهار پاره، مثنوی، دو بیتی، غزل و ... طبع آزمایی کرده است اما شهرت شاعری او در غزل است. بی شک منزوی از بزرگترین و تأثیر گذارترین غزل پردازان معاصر است». (روزنامه شرق، ۱۳۸۳: ۸۲ نقل از سمیه). «حسین منزوی هم از حلقه های اصلی زنجیره نوآوری در غزل دهه شصت محسوب می شود. تصویر در شعرش نو و جاندار است. زبانش سنتی است و سطحی کم عمیق. اگر وی را نو پرداز بدانیم عمده ترین معضله شعرش فقر و اندیشه است شاعری رمانتیک است». (فلاحی، ۱۳۸۳: ۶۸۲). «منزوی در شامگاه اردیبهشت ۱۳۸۳ شمسی به دلیل عارضه قلبی، روی در نقاب خاک کشید (کاضمی، ۱۳۸۸: ۴۴).

بررسی ساختار نحوی

تحلیل ساختار نحوی یک شعر به معنای بررسی نقش ها و ترکیب کلمات و جملات در ساختار شعر است. در زبان فارسی، نحو به مطالعه نقش های مختلف کلمات و ارتباط هایشان در جمله می پردازد و برای تحلیل نحو یک شعر به تفصیل این موارد را برای شعر خاصی انجام می دهد: تحلیل جملات، تحلیل نقش های مختلف کلمات در جمله مانند فعل، تحلیل ترکیب های صوتی، تحلیل حروف اضافه و حرف ربط. «حوزه نحو یکی از بخش های پژوهش های زبان شناختی است که تنها در سه یا چهار دهه اخیر از سوی زبان شناسان مورد توجه قرار گرفته است». (غلامعلی، ۱۳۷۷: ۳، نقل از اوستا). سطح دستوری یک رکن اساسی را تشکیل می دهد که بر ساختار جملات و معنایی آنها تأثیر می گذارد. که عوامل دستوری و قوانین ساختار جمله است. گروه اسمی و فعلی، مثبت و منفی، نحو نگاه کردن به آخرین حرکات در کلمات است. (ن.ک: عطیه، ۲۰۰۹: ۹۳). «ساختار صوری و به تعبیری رو ساخت زبان، همان شکل ظاهری جمله است که می کوشد به طور اجمالی، بن مایه نهفته در جمله را بیان می کند. به صورت زبان، شامل قسمتی از اطلاعات جمله است و ابتدایی ترین شکل آن، ترکیبی از یک فاعل و فعل می تواند باشد». (باقری، ۱۳۷۵: ۱۲۷). «ساختار از نظر لغوی، در اسکلت و استخوان بندی به کار می رود و در اصطلاح ادبی، به نحوه ترکیب پیوند دادن عناصر و اجزاء تشکیل دهنده زبان گفته می شود». (داد، ۱۳۷۸: ۱۶۹). «در بررسی سبک آثار، تعمق در ساختار زبانی اثر، اهمیت قابل توجهی دارد. بخش اعظمی از سبک یک اثر، ساختار صوری آنست: «سبک به یک اثر ادبی، وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می کند». (بهار، ۱۳۸۶: ۱۶). «از طریق مطالعه سبک آثار، ساختار صوری اثر تبیین می شود. لذا بررسی ساختار زبانی، مقوله ای است که در حیطه سبک شناسی می گنجد. به اعتقاد

دکتر شفیعی، سبک، همان خروج از مرزهای فرم است ویژگی‌های زبانی و بیانی، زمانی سبک یک اثر اکه محصول آگاهی و تعمد شاعران یا نویسنده باشد و در کنار آن بسامد برخورداری باشد». (کدکلی، ۱۳۹۲: ۵). «در لایه نحوی، چگونگی واژگان و پیچیدگی‌های دستوری موجود در اثر بررسی می‌شود. زبان شناسان اهداف متعددی را در بررسی نحو کلام مد نظر دارند. از این طریق به نحو نگارش شاعران به نظام واژگانی بی می‌پزند و میز آن آگاهی شاعر یا نویسنده از ساختار واژگان ترکیب جمله‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، ساختار نحوی تا حدود جهان بینی شاعر را تبیین کرده و به کشف اهداف فکری و کمک شایان توجهی می‌کند». (زرین کوب، ۱۳۴۶: ۵۳). «بی شک، شناخت ساختار زمانی یک اثر، ما را به جهان بینی شاعر و شرایط اجتماعی غالب بر جامعه شاعر رهنمون می‌شود». (آریان و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۶) «این تغییر در کاربرد واژگان و ساختمان جمله، نمود بیشتری دارد». (گیوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳۲). «تأمل در همه ادوار شعر فارسی، نشان می‌دهد که همگام با تحولات اجتماعی در جامعه، ساختار صوری به معنای ادبیات به ویژه شعر نیز دست خویش تغییر شده است». (آریان و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۱) «ساختار شعر حسین منزوی به عنوان شاعر معاصر تاریخ ادبیات ایران، نمونه بارز تغییراتی است که در شعر وقوع پیوست. غزلیات منزوی، محصول تحولی است که جریان شعر نو در قالب سنتی غزل ایجاد کرد». (طاهری و سلیمان، ۱۳۹۱: ۱۲۰) «سیروس شمیسا، ویژگی بارز شعر امروز به ویژه غزل را، ایجاد سبکی جدید می‌داند، که به عنوان عزل تصویری، می‌توان را توصیف کرد. شاعران در این نوع غزل، قالب سنتی را با استفاده از امکانات شعر نو از لحاظ زبانی و مضامین رنگی دگرگون بخشیده اند و حسین منزوی از ابداع کنندگان این نوآوری در عرصه غزل است». (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۰۶). محمد رضا روزبه، منزوی را از ارکان برجسته نوآوری در غزل می‌داند. (روزبه، ۱۳۷۹: ۲۰۴). «ساختار نحوی در کلام، کمک می‌کند بین دنیای ذهنی شاعر و پدیده‌های بیرونی، ارتباط ایجاد می‌شود. این که واژگان چگونه در یک جمله چیده می‌شوند منعکس کنند افکار و احساسات شاعر است. در واقع چیدمان جمله‌ها و هم نشینی واژگان منعکس کننده نگرش‌ها و افکار ما هستند». (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۱). ساختار نحوی جمله‌ها و واژگان، چیدمان اجزای جمله، کاربرد صفت و موصوف، استفاده از ظرفیت‌های فعلی و از جمله خصوصیات نحوی است که یک شاعر با تکیه بر جهان بینی افکار و احساسات خود، آنها راغ در کلام خویش به کار می‌گیرد. در غزل حسین منزوی، می‌توان ساختارهای نحوی متفاوت را در کلام او مشاهده کرد. این موارد به دلیل کاربرد مکرر، یک ویژگی سبکی در شعر او به شمار می‌روند. این ساختارها در سه شاخص زیر قابل بررسی است:

ساختار جمله ساختار فعل ساختار واژه

ساختار جمله

ساختار جمله معترضه

در برخی از ابیات، جمله معترضه، برای بیان بخشی از اندیشه شاعر مورد استفاده قرار می‌گیرد: شهر - منهای وقتی که هستی - حاصلش برزخ خشک و خالی جمع آینه‌ها ضرب در تو، بی عدد صفر، بعد از زلالی (منزوی، ۱۳۸۹: ۱) از چارچوب منظره سترده است عشق - اتشی که دامن شعله می‌کشید (همان: ۲۵) این جملات معمولاً برای توضیح اضافی و تبیین اندیشه شاعر در بیت به کار رفته است.

تکرار جمله

حسین منزوی گاه جمله‌های کوتاه را تکرار می‌کند، این کاربرد علاوه بر موسیقایی کردن کلام، تاکید شاعر به موضوعی خاص را بازتاب می‌دهد. با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم (همان: ۱۵)

کاربرد افعال

تقديم فعل

«در ساختار نحوی جملات فارسی، جایگاه فعل در پایان جمله است. بعضی از شاعران، این نظام را در هم ریخته و با هنجار شکنی نحوی، خصوصیت سبکی برای شعر خود می‌آفرینند به عبارتی از زبان هنجار متمایز می‌شود». (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۰). منزوی، مکرر فعل بر دیگر اجزای جمله تقدیم می‌دارد. مقدم آوردن فعل از جمله‌ای این هنجار شکنی هاست که علاوه بر القای مفهوم "تاکید" به خاطر رعایت وزن و قافیه، شعر را موزون جلوه می‌دهد: می‌شود گل در انشای گلزار، می‌شود کبک در عین رفتار می‌شود آهویی در چمن زار، پای تو ضرب در باغ قالی (منزوی، ۱۳۸۹: ۲) می‌کنم القای را روی لوحه سنگی واو مثل ویرانی، دال مثل دلتنگی (همان: ۳)

کاربرد افعال عامیانه

آوردن افعال عامیانه در غزل‌ها یکس از ویژگی‌های جالب در شعر فارسی است که حسین منزوی را آن برای ایجاد تنوع و زیبایی در اشعار خود استفاده می‌کند. همچنین، زبان زبان شاعری می‌تواند به کمک اصطلاحات عامیانه، در توصیف موقعیت‌ها یا کنش‌ها در زندگی روزمره به کار می‌رود. به دزدی آمدن، در زبان عامیانه مردم به کار می‌رود و معمولاً در زبان ادبی، کاربرد ندارد؛ لیم به وسوسه‌ی بوسه دزدی آمده بود ولی جواهری از گنج تو ربوده نشد (منزوی، ۱۳۸۹: ۲۴) "رو کردن" از افعال زبان عامیانه است که در شعر زیر نمود دارد: تو جرأت رو کردن خود را به من بخشیده‌ای و نه آینه ای پنهان درون خویشتن از وحشت سنگم. (همان: ۱۲)

فعل "چرخیدن" از افعال عامیانه می‌باشد. زمین سوخته‌ام نا امید و بی برکت که جز مراتع نفرت نمی‌چریداز من (منزوی، ۱۳۸۹: ۱۵)

استخدام افعال کهن

از شب نخواهد کاست، تندی که می‌گرد سر بدزد هان! هشدار! تیغ می‌کشد زنگی (همان: ۳) فعل "کاستن" از افعال کهن است. نیاویزد اگر با سلطه‌ی مردانه‌ام ای زن غرور دختران را نیز در تو دوست دارم من (همان: ۱۸)

فعل "گسترده" از افعال کهن است.

کاربرد افعال مثبت و منفی

از شگردهای نحوی کلام منزوی، استفاده از صورت منفی و مثبت افعال در کنار هم است. کاربرد علاوه بر موسیقایی کردن کلام، ویژگی سبکی نیز به اشعار منزوی می‌بخشد: همین نه دیدنت امروز - روزها طی گذشت که هر چه خواستم از بوده نبوده نشد (منزوی، ۱۳۸۹: ۲۵) درمان نخواستم ز تو من درد خواستم یک درد ماندگار! بلیت به جان من (همان: ۱۰) غریب من! قدیم است آشنایی‌های من با توچنان چون قصه‌ی یعقوب و بوی پیراهن پیر (همان: ۱۸)

تکرار

معمولاً تکرار در واج، واژه و فعل مهم‌ترین شگرد شاعران در شعر محسوب می‌شوند و شعر منزوی هم از این قاعده مستثنی نیست. تکرار واج "ش" واج "ش" در بیت زیر تکرار می‌شود، شاعر از این صنعت به دو منظور سود می‌جوید، ابتدا شعرش را آهنگین جلوه می‌دهد، سپس با تکرار واج "ش" مفهوم خروش و جوشش را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند: در خود خروش‌ها دارم، چون چاه، اگرچه خاموشم می‌جوشم از درون هرچند با هیچ کس نمی‌جوشم (منزوی، ۱۳۸۹: ۵) تکرار واج "غ" در بیت زیر واج "غ" موسیقی درونی را پررنگ کرده و در ضمن مفهوم غربت را در ذهن تداعی می‌کند: ای غریبان سفر کرده! کدامین غربت بدتر از غربت مردان وطن در وطن است؟ (منزوی، ۱۳۸۹: ۸) علاوه بر تکرار واج‌ها، واژه‌ها نیز در غزل منزوی تکرار می‌شوند و موسیقی کلام شاعر را قم می‌زنند:

واژه چشم

هر چه چشم است جز چشم هایت، سایه وار است و خود در نهایت می‌کند بر سبیل کنایت مشق آن چشم‌های مثالی (همان: ۲)

تکرار چند واژه در بیت زیر، هنر نمایی حسین موزوی در به کارگیری صفت تکرار به روشنی قابل مشاهده است. نیستان، صد و هزاران واژه‌های موسیقی آفرین هستند که در یک بیت شده و ریتم آهنگی به شعر بخشیده‌اند. نیستان‌های یک آواز در صداها و صداها نی نیستان‌های یک جان در هزاران و هزاران (همان: ۱۸)

تکرار فعل

فعل : «اساس‌ترین مقوله‌ی در واژگان زبان است:». (د. محمد و علی، ۱۴۱: ۵۰۴). «فعل یکی از عناصر اساسی یک جمله است». (عیال، ۴۰: ۶۴). «کاربرد این ویژگی در شعر شاعران منجر به زیبایی آفرینی می‌شود، بر موسیقی تأثیر بسزایی دارد، و بهترین وسیله‌ای است که دارد است که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند». «بهار، ۱۳۸۳: ۴۰۲ نقل از: مهرداد اوستا» چه کسی کشید ز تو دست و سر نکوفت به سگ؟ چه کسی لب نگزید و به غبن لب نگزید؟ (منزوی: ۱۳۸۹: ۷۶) در این بیت تکرار فعل (لب نگزیدن) خواهد آمد، خواهد آمد آری، اما گر نیاید باز سقف آسمان امروز پایین خواهد آمد (منزوی، ۱۳۸۹: ۳۴)

کاربرد انواع (را) در دیوان حسین منزوی کار رفته است :

را در معنا (در) تا صبحدم به یاد تو (شب را قدم زدم) آتش گرفتم از تو و در صبحدم زدم (منزوی، ۱۳۸۹: ۱۶) را در معنا (برای) بی‌نیازند ز غسل و لفن، (اینان را غسل) همه از خون و کفن‌ها همه از پیرهن است

(همان: ٨) بی بهار است مرا شهر بهاری، آری به هیمنه نقش گل و مرغ نیازم بی تو (منزوی، ١٣٨٩: ١٣) هر نامه را به نام و به عنوان هر که بود تنها به شوق از نوشتن قلم زدم (منزوی، ١٣٨٩: ١٦) را به معنا (بر) او با شهاب بر شب تب کرده خط کشید من برق چشم ملتهیت را قم زدم (منزوی، ١٣٨٩: ١٦) تاب آوری تا آسمان (روی دو شب را) من هم ستونی در کنار قامتت باشم (منزوی، ١٣٨٩: ١٧) را به معنا (به) در خوابی و هنگام را از دست خواهی داد معشوق من بگذرد زنگ ساعتت باشم (منزوی، ١٣٨٩: ١٧) تازی ز طره دادی امانت (مرا شبی) یعنی طناب دار تو زین رشته عای موست (منزوی، ١٣٨٩: ٢٠)

جناس

جناس از دیگر عوامل موسیقی آفرین به شمار می رود. منزوی از این ظرفیت زبان فارسی استفاده می کند و شعرش آهنگین می آفریند:

بام و نام

تا گور سوی اختر کان بشکند همه از نام به بام افقها علم زدم (منزوی، ١٣٨٩: ١٦)

نام و نامه

هر نامه را به نام و به عنوان هر که بود تنها به شوق از تو نوشتن رقم زدم

(منزوی، ١٣٨٩: ١) چمن و چمان

تا وان آشیانه به دوشی نوشته داشت همچون نسیم در چمن گل چمان شدن (منزوی، ١٣٨٩: ٧)

اوست و دوست

ای دوست عشق را مشکن، حیف از اوست، دوست این شیشه را به سنگ مزن، عمر من در اوست (منزوی، ١٣٨٩: ١٩)

ساختار صرفی

صرف: « بعضی از واژه‌ها معنی مستقل ندارند و برای پیوند دادن واژه‌ها یا نسبت دادن واژه‌ای یا جمله‌ای یا نشان دادن نقش واژه‌ای در جمله به کار می روند این واژه‌ها حرف می گویند». (انوری، ١٣٩٠: ٧٢). به سخن دیگر: « این علمی است که کلمه را مطالعه می کند و از طریق آن را می شناسد و تغییری که در آن ایجاد می شود». (یوسف و حمد، ١٣٢٣: ٤٧). استفاده از پسوند " وار "

در کلام حسین منزوی، ترکیباتی که با پسوند " وار " شده‌اند بسامد بسیار بالایی دارد. عروسوار خیال منی که آمدی ای دوباره باز به مهمانی عروسکی ام (منزوی، ١٣٨٩: ٦) مرا روی بدان و یاری ام کن تا در آویزم به شوق جذبه وارت تا فرم به دریابت (همان: ٣٠)

کاربرد واژگان کهن

در شعر منزوی می توان کاربرد واژگان کهن متون فارسی را مشاهده کرد، هرچند این کاربرد، نسبت به واژگان امروزی، بسامد کمتری دارند اما حاکی از تسلط شاعر به متون کلاسیک فارسی و تأثیر پذیری وی از ادبیات کلاسیک است:

نطح هرچه تیزتک باشی، از عریضه‌ی نطعت دورتر نخواهی رفت مثل اسب شطرنگی (همان: ٤)

ملال مرا ندیده بگیرید و بگذرید از من که جز ملال نصیبی نمی برید از من (منزوی، ١٣٨٩: ١٥)

لختی چیزی بگو بگذار تا هم صحبتت باشم لختی حریف لحظه‌های غربتت باشم (همان: ١٧)

گلخن به خوابت دیده‌ام زان پیش کاین بیداری مشئوم در اندازد بساطم را از آن گلشن بدین گلخن (منزوی، ١٣٨٩: ١٨)

کاربرد اساطیر

«اسطوره‌ها در شعر به یاری شاعر می شتابند تا بازتاب دهنده بخش اعظمی از فرهنگ ملت‌ها باشند. واژگان اسطوره‌ای، معانی ذهنی شاعران را محسوس می کنند چون مخاطبان شعر، اساطیر را می شناسند. با آنان رابطه دیرینه دارند و ویژگی‌های اساطیر را می دانند». (کدکنی، ١٣٩٢: ٢٤٠). حسین منزوی به خوبی به کاربرد اسطوره‌ها آشناست لذا می کوشد گوهشه‌ای از تفکر و احساس خود را در قالب اسطوره‌ها بیان کند، اساطیر از آمده از دل ایران باستان، بسامد بالایی در شعر منزوی دارند:

سیاوش

این داستان که از خون گل بیرون دمد، خوش است، اماخوش تر که سر برون آرد، خون از گل سیاوشم (منزوی، ١٣٨٩: ٥)

تہمتن

چاه دیگر نه همان محرم اسرار علی چاه مرگی است که پنهان به ره تہمتن است (همان: ۸) علاوه بر اساطیر ایران باستان، منزوی به دلیل تعلقش به سرزمین آذربایجان، گاه در شعرش از اسطوره‌های اقوام ترک نیز استفاده می‌کند:

بابک

به خون خود شویم آبروی عشق آری اگر مدد برساند سرشت بابکی ام (همان: ۶)

ساختار معنایی و واژگانی

«در سطح واژگانی، کاربرد انواع لغات مورد توجه است. این که شاعر تا چه میزان از واژگان فارسی، عربی و غربی استفاده کرده و واژگان در حوزه قدیم تا چه اندازه در شعر کاربرد دارند، در بررسی سطح واژگانی، مهم می‌نماید. سره نویسی، میزان کاربرد اسامی بسط، اسم معنی یا ذات و مواردی شبیه این عناوین، از مؤلفه‌های مورد توجه سبک‌شناسان در بررسی نظام واژگانی یک اثر ادبی است.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۴).

تشبیه

در شعرمنزوی، تشبیه مهم‌ترین ابزاری است کمک می‌کند واژگان در غیر جایگاه معمول خود بنشینند و ساختار شکنی معنایی اقم بزنند. در شعر زیر بازوان شاعر به چیچک تشبیه شده است. پیچک در این شعر به عنوان گیاه به کار نرفته و جایگاه معمول خود را از دست داده است: چنان گرفته تو را بازوان چپگی‌ام که گویی نه، از تو جدا نه که با تو من یکی ام (منزوی، ۱۳۸۹: ۶) در شعر زیر برکه‌های خون آلود مشبه به است که با استفاده از تشبیه در جایگاه خود ننشسته است: نگفت و گفت: چرا چشم‌هایت آن دو کبود بدل شده است بدین برکه‌های خون آلود؟ (همان: ۹)

استعاره

«در منابع، استعاره همان تشبیهی است که فقط یکی از طرفین از آن باقی مانده است.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۷۵). با این تعریف از استعاره، می‌توان آن را نیز مانده تشبیه به عنوان یکی از ابزارهای هنجار شکنی در حوزه معنای در غزل منزوی بسامد تشبیه بیش تر از استعار است اما آگاهی، استعاره نیز ساختار معنایی واژگان را در هم ریخته است. «استعاره اشاره‌ای به شکل اصلی است.» (غیلان، ۲۱۸: ۴۸۹). مثل واژه ستاره و خورشید در بیت زیر: امشب ستاره‌های مرا آب برده است خورشیدواره‌های مرا، خواب خورده است. (منزوی، ۱۳۸۹: ۲۶)

تشخیص

«در اصطلاح ادبی، تشخیص یعنی جاندار انگاری! به تعبیری نسبت دادن صفات و احوال انسانی به موجوداتی که انسان نیستند و با انسان انگاری مفاهیم انتزاعی.» (کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). در شعر منزوی نمونه‌های فراوانی از این صنعت به چشم می‌خورد که به کار رفته تا ساختار معنایی واژگان را در هم بریزد. مثلاً در بیت زیر آسمان، انسان پنداشته شده است که می‌توان با او مفاخره کرد، این یعنی واژه‌ی آسمان در جایگاه معمول خود به کار نرفته و بر جایگاه انسان تکیه زده است: با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم. (منزوی، ۱۳۸۹: ۱۶) در بیت زیر هم "سحر" به عنوان یکی از عناصر طبیعت بر جایگاه انسانی تکیه زده چنانکه شاعر با او قرار می‌گذرد. من آری گر تو چادر ز شب داری به سر اماقراری با سحر دارم در آن پیشانی روشن. (همان: ۱۸)

پارادوکس

«پارادوکس آوردن دو واژه متضاد در کلام به شرط هنجار شکنی است. پارادوکس به طور معمول دو جهت دارد. یعنی از دو جانب، ستیز معنایی بین دو واژه‌ی مشاهده می‌شود و وجود یکی دیگری را نقض می‌کند.» (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۰) بیش ترین پارادوکس‌های شعر منزوی در حوزه‌ی افعال رخ می‌دهد. در شعر منزوی می‌توان متضادی را در کنار هم مشاهده کرد که هم دیگر را نقض می‌کنند اما به خاطر هنجار شکنی معنایی در شعر در کنار هم آورده شده‌اند: درنگ کرد و نکرد آن چنان که چلچله‌ای پری به آب زد و نا نشسته گشود. (منزوی، ۱۳۸۹: ۹) نگاه کرد و نکرد آن چنان به گوشه چشم که هم درود در آن خفته بود و هم بدرود (منزوی، ۱۳۸۹: ۹)

ساختار واژگانی

واژه اصلی ترین ابزار کار شاعر است. شاعران در قالب واژگان، و احساسات و اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل می‌کنند. کلید واژگانی که در یک متن خود نمایی می‌کند رابطه بسیار نزدیکی با دنیای ذهن و روان شاعر دارند. این واژگان کلیدی سهم بیشتری این نگرش شاعر به جهان پیرامون را به نمایش می‌گذارند. شرط گزینش واژگان و واژگان کلیدی، مکرر استفاده کردن آنها در یک متن است. هر یک از شاعران یا نویسندگان با گروهی از واژگان، ارتباط عاطفی دارند. افکار، تخیلات و تمایلات آنان در قالب همین واژگان به دیگران انتقال داده می‌شود. این کلید واژگان بار معانی و مفاهیم ذهنی شاعران را حمل می‌کنند. می‌توان در لا به لای همه اشعار شاعر، این کلیدواژه‌ها را مشاهده کرد که چگونه با دیگر واژگان و ترکیبات پیوند خورده‌اند و دیگر زبان‌ها هم به خدمت این کلیدواژگان در آمده‌اند تعمق در شعر حسین منزوی نشان می‌دهد که برخی از واژگان در نظام واژگانی شاعر جایگاه مهمی دارند و داری بسامد بالایی هستند:

کلید واژگان

واژه چشم: در شعر منزوی، مکرر ب کار رفته است. مفاهیم ذهنی فراوانی در درون شاعر می‌جوشد و سبب می‌شود این واژه در ارتباط تنگاتنگ با این واژه باشد. حالان عاشقانه، نگرش‌ها، اندوه، شادی، و... از جمله مفاهیمی هستند که با این کلید واژه در شعر منزوی بیان شده‌اند: نگفت و گفت: چرا چشم‌هایت آن دو کبود بدل شده است بدین برکه‌های خون آلود (منزوی، ۱۳۸۹: ۴)

هر چه چشم است جز چشم‌هایت، سایه‌وار است و خود در نهایت می‌کند بر سبیل کنایت مشق آن چشم‌های مثالی. (همان: ۲)

چشم واکن که دنیا بشورد! موج دریا با بشورد! گیسوان باز کن تا بشورد شعرم از آن شمیم شمالی. (همان: ۲)

واژه زخم: از کلید واژه‌های مهم شعر منزوی، لغت " زخم " است. منزوی بر آن است تا در پس واژه زخم، از رنج‌های انسان بسراید. کاربرد این واژه، عمق دردی- که بر جان انسان سایه افکنده را - بر ملا می‌کند. با تکرار آن می‌توان احساس مرد زخم دیده‌ای را حس کرد که تمام رنجش در پیمانه‌ی این واژه می‌ریزد: فردا به خون خورشیدم، عشق از غبار خواهم شست امروز اگرچه زخمش را، هم با غبار می‌پوشم. (همان: ۵) چه زخم؟ آه چه زخمی است زخم خنجر خویش کشنده زخم به تدرج زخم بی‌بهبود (منزوی، ۱۳۸۹: ۴)

در این دو سال چه زخمی زدی به خود؟ پرسید گرفته پاسخ خود هم بدون گفت و شنود (همان: ۴)

واژه غربت و غریب: این دو واژه در غزل منزوی، بسامد بالایی دارند و تکرار آنها احساس غربت شاعر را هویدا می‌کند: ای غریبان سفر کرده کدامین غربت؟ بدتر از غربت مردان وطن در وطن است؟ (منزوی، ۱۳۸۹: ۸)

کاربرد اصطلاحات ریاضی

حسین منزوی گاه برای بیان مفاهیم ذهنی خود از اصطلاحات ریاضی استفاده می‌کند. کاربرد مکرر این واژگان، مشخصه سبکی وی به شمار می‌رود:

. منها، حاصل، جمع، ضرب، عدد، صفر

شهر، منهای- وقتی که هستی، حاصلش برزخ خشک و خالی

جمع آیینها ضرب در تو، بی عدد صفر، بعد از زلالی. (منزوی، ۱۳۸۹: ۱)

. خط، نقطه تمام طول خط از نقطه‌ای که پرشده است.

از ابتدا که تویی، از انتها که تویی (همان: ۱۴)

واژگان جدید و امروزی

بسامد واژگانی که امروز در میان مردم کاربرد دارند، در شعر منزوی بیشتر است. دایره واژگان شعر منزوی در پیوند با این لغات امروزی شکل می‌گیرد:

جلبک

چه برکه‌ای تو که تا آب، ابی است در آن شناور است همه تار و پود جلبکی‌ام (همان: ۶)

عروسک

عروسوار خیال منی که آمده‌ای دوباره باز به مهمانی عروسی‌ام (منزوی، ۱۳۸۹: ۶)

بادباک

نسیم و نخ بده از خاک تار رها بشود به یک اشاره تو روح بادبادکی‌ام. (همان: ۶)

دماسنج

می سوزم از تبی که دماسنج عشق را از هرم خود گداخته زیر زبان من (همان: ۱۰)

زنگ ساعت

در خوابی و هنگام را از دست خواهی داد معشوق من! بگزار زنگ ساعت باشم. (همان: ۱۷)

کاربرد اسامی ماه‌های شمسی

خرداد تو و آذر من بگذر و بگذار امروز بجوشند که سوادی من این است (همان : ۱۱)

جذام

اول دلم فرار تو را سرسری گرفت وان زخم کوچک دلم آخر جذام شد. (منزوی، ۱۳۸۹: ۳۲)

فواره

شعر من از قبیله‌ی خون است خون من فواره از دلم زد و آمد کلام شد. (منزوی، ۱۳۸۹: ۳۲)

از جمله‌ی واژگان مرسوم در زبان امروزی است که در شعر منزوی نمود دارند و مسیر غزل او برای نو شدن را هموار می کنند.

نظام آوایی

برجسته ترین وجه زیباشناختی زبان، موسیقی کلام است، موسیقی، متن را از فرم معمول خارج می کند و عاطفه را در مخاطب بر می انگیزد: « مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، متمایز می کنند نظام آوایی گفته می شود. در حقیقت نظام موسیقایی، سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می شوند. از قبیل عوامل موسیقی آفرین در شعر می توان به انواع وزن، قافیه، ردیف، جناس و... اشاره کرد». (کدکنی، ۱۳۹۱: ۸). بی شک، کلام موزون و آهنگین، تأثیری مضاعف را تجربه می کند و اگر در شعر، نمود پیدا کند تأثیر جاودی بر مخاطب خواهد داشت. دلیل تمایل شاعران به استفاده از عوامل موسیقی آفرین در این نکته نهفته است:

«رابطه شعر با موسیقی به اندازه‌ای عمیق است که می توان آن را هم تر از با رابطه شعر با صور خیال دانست. گاه حتی، می تواند در جایگاه صور خیال بنشیند و شعر بر اساس آن تعریف شود». (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۸۴). حسین منزوی به دلیل بهره مندی از عناصر موسیقی آفرین در غزل‌هایش، اشعاری، جذاب، موزون و تأثیر گذار از خود بر جای گذاشته است که بر تارک آسمان ادب معاصر می درخشد. موسیقی حاکم بر شعر او، با سه مؤلفه قابل تحلیل و بررسی است:

موسیقی درونی

موسیقی کناری

موسیقی بیرونی

موسیقی بیرونی

وزن شعر، موسیقی بیرونی آن را شکل می دهد. شعر خالی از وزن به زبان عادی نزدیک می شود: « مجموعه آوایی که به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشد نوعی موسیقی به وجود می آورند که از آن وزن می نامیم ». (کدکنی، ۱۳۹۱: ۹). وزن ممکن است متکلفانه باشد یا حاصل عاطفه و هیجان درونی شاعر باشد. در صورت دوم، می تواند با افکار و احساسات شاعر هماهنگ شده، لذت ادبی مضاعف و تأثیر گذاری عواطف را دو چندان کند. شعر منزوی به دلیل بهره مندی از قالی غزل، کلامی موزون است اما این موزونی، ویژگی‌های دیگری هم دارد که به شعر او، خصوصیت سبکی برجسته‌ای بخشیده است:

بهره گیری از اوزان دوری

«بر اساس علم عروض جدید، وزن دوری، وزن مصرعی است که به طور تناوبی تکرار می شود و از دو بخش مشابه تشکیل می شود. معمولاً آخرین رکن هر نیمه وزن دوری، ناقص است». (سیف و عظیمی، ۱۳۹۴: ۳) این بخش از غزل‌های منزوی به سبب کاربرد اوزان دوری، قابل تقطیع هست و این خصیصه، غزل او را به شعر نیمایی نزدیک کرده و آن را در زمره غزل معاصر قرار می دهد:

شهر - منهای وقتی که هستی -

حاصلش برزخ خشک و خالی

می شود در گل انشای گلزار

می شود کبک در عین رفتار (منزوی، ۱۳۸۹: ۲) از بین غزلیات منزوی مورد مطالعه در این نوشتار، دوازده غزل در قالب وزن دوری سروده شده‌اند. غزل‌هایی منزوی، وزن دوری و بهره گیری اشعار از موسیقی مضاعف را مشاهده کرد. می کنم الفبا را، روی لوحه سنگی

اوزان خود جوش

اوزان در غزل منزوی، محصول هیجانان درونی شاعر است. در غزل‌های او نمی‌توان رد پای از وزن متکلفانه را مشاهده کرد. گویا در لحظه سرودن، عاطفه سبب موزونی کلام شاعر شده است. این نکته، تمرکز مخاطب را به هسته شعر جلب کرده و درک ادبی و لذت از شعر بیشتر می‌کند: آب آرزو نداشت به غیر از روان شدن دریا غمی نداشت مگر آسمان شدن (همان: ۷) «اوزان خود جوش به دلیل موسیقایی کردن شعر، درک و دریافت مخاطب از تصاویر و معانی نهفته در شعر را آسان می‌کنند. مخاطب مجموعه‌ای از واژگان را که با موزونی خاص در کنار هم چیده شده‌اند به سهولت حفظ می‌کند و می‌کوشد روابط آن‌ها را کشف کند و از این راه به معنای پنهان در شعر راه یابد.» (خانلری، ۱۳۴۵: ۱۵).

موسیقی کناری

قافیه و ردیف دو عامل تعیین‌کننده موسیقی کناری شعر هستند و در حقیقت، مکمل موسیقی بیرونی شعر به شمار می‌روند. تناسب و آهنگ غزل، مرهون قافیه‌پردازی شاعرانه است: «در شعر با این که هرگز از معانی غافل نیستیم، از آهنگ کلمات نیز لذت می‌بریم. این لذت در گرو برگشت قافیه‌هاست. حس شنوایی با درک قوافی تحریک شده، احساس لذت و خشنودی می‌کند.» (کدکنی، ۱۳۹۱: ۶۴). «هرچه میزان کلمات مشترک قافیه بیشتر باشد، جنبه موسیقایی کلام دیرتر خواهد بود و ما احساس لذت مضاعفی خواهیم داشت.» (همان: ۶۸). در غزل منزوی، قوافی، تشخیص دارند. شاعر هرگز آن‌ها را متکلفانه به کار نبرده است بلکه بار معنایی بیت بر دوش قافیه است. بدون قافیه، نمی‌توان به مفهوم اصلی شعر پی برد، قافیه تکمیل‌کننده کلام شاعر است. مایاکوفسکی می‌گوید: «من همیشه لغت برجسته و مشحون را در آخر بیت جا می‌دهم به هر زحمت و شکل و ترتیبی که باشد قافیه‌ای برایش پیدا می‌کنم. نتیجه این می‌شود که قافیه‌های من همیشه غیر معمولی‌اند.» (کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۲). قافیه‌های شعر منزوی، از جنس این قافیه‌پردازی است، مقصود اصلی کلام او، بیشتر در قافیه‌های غزل‌هایش پنهان است و دلیل استفاده فراوان او از قافیه‌های غیر فعلی نیز در این نکته است: نگفت و گفت چرا چشم‌هایت آن دو کبود بدل شده است بدین برکه‌های خون آلود. (منزوی، ۱۳۸۹: ۴). آن‌چه در بیت فوق، دغدغه شاعر است، خون آلودی چشم‌هاست. منزوی با آوردن این مفهوم در جایگاه قافیه، تشخیص قافیه را رقم زده است. از بین سی غزل مورد بررسی، چهارده غزل با قافیه‌های غیر فعلی سروده شده‌اند و تقریباً نیمی از غزل‌های منزوی، بهره‌مند از این نوع قوافی است. این نکته علاوه بر پرنگ کردن موسیقی کناری غزل، بار معنایی اشعار وی و تأثیر گذاری از طریق موسیقی را دوچندان کرده است: مژگان به هم زدن که بپاشی جهان من کوبی زمین من به سر آسمان من. (منزوی، ۱۳۸۹: ۱۰) این بار هم نشد که ببرم کمند راوز پای عشق بگسلم این قید و بند را. (همان: ۲۱) در دو بیت مذکور، مقصود شاعر، از هم پاشیدن خود در عشق و گسستن قید و بند در عشق است و این مفاهیم با قافیه‌ها بیان شده‌اند. علاوه بر قافیه، ردیف نیز سهم مهمی در موسیقایی کردن زیانده شعر منزوی دارد. در غزل منزوی، بیشتر اشعار مردفاند و ردیف‌ها بیشتر فعلی هستند. برعکس قافیه، ردیف‌هایی از جنس افعال، جنبه موسیقایی شعر را افزون می‌کنند: آب آرزو نداشت به غیر از روان شدن دریا غمی نداشت مگر آسمان شدن. (منزوی، ۱۳۸۹: ۷).

موسیقی درونی

واج‌ها، واژه‌ها، ترکیبات صوتی، دست هم دست هم می‌دهند تا با چیدمانی متناسب، موسیقی درونی شعر را بیافرینند. صنایع لفظی در این میان نقش مهمی را بازی می‌کنند. کاربرد این صنایع، هارمونی و تناسب را در زبان ایجاد می‌کند، تکرار، جناس، سجع، موازنه و ترصیع مهم‌ترین ابزارهای موسیقی آفرین هستند که می‌توانند غنای فراوانی به موسیقی به ببخشند. منزوی با آگاهی از این نکته، صنایع مذکور را هوشمندانه به کار می‌گیرد تا شعر خود را بیش از پیش به موسیقی نزدیک کند.

نتیجه‌گیری

از بررسی ساختار زبانی "گلچینی از غزل‌های منزوی" می‌توان به این نتیجه دست یافت که منزوی برای ترسیم مرز مشخص بین غزل معاصر و غزل سنتی، نوآوری‌های چشمگیری در ساختار زبانی شعر ایجاد کرده است تکرار واج‌ها و واژه‌ها، بهره‌گیری از اوزان دوری، استفاده از صنایع لفظی به ویژه تکرار و جناس، موسیقی شعر او را غنی‌تر و تمرکز مخاطب به درون مایه‌های شعر او را افزون کرده است. علاوه بر این، منزوی در نظام واژگانی، کلید واژگانی به کار برده که منطبق با زبان امروزی شعر هستند. از این رو، دیگر واژگان

شعر او در خدمت وژگان کلیدی در آمده و با جریان شعر نو است، در کنار این مهم، کاربرد لغات کهن، نشان دهنده تسلط شاعر به متون کلاسیک ادب فارسی هست هر چند بسامد این واژگان نسبت به لغاتی که رنگ و بوی دیگر اجزای جمله، از زمره کاربرد های نحوی است که غزل منزوی را به سوی نو شدن هدایت کرده است. ساختار شکنی معنایی در حوزهی واژگان و اصطلاحات در غزل منزوی با به کارگیری تشبیه، استعاره، پارادوکس و تشخیص رقم خورده است. منزوی برای برجسته کردن معنایی واژگان، با ترفندهای مذکور، توانسته برخی از آنها در غیر جایگاه معمول شان بنشانند و زبان شعر خود را رنگی دگرگون ببخشد.

منابع

- انوری، حسن (١٣٩٠)، دستور زبان فارسی، اصفهان، مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- اوستا، مهرداد (١٣٧٠)، مجموعه راما (کلیات دیوان اشعار)، چاپ اول، تهران، انتشارات رات فرهنگی رجا.
- باقری، مهری (١٣٧٥)، مقدمات زبان شناسی، تهران: نشر قطره.
- بهار، محمد تقی (١٣٨٤)، سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ١، تهران: نشر زوار.
- بهار، محمد تقی (١٣٨٣)، سبک شناسی نثر، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- پورنامداریان، تقی (١٣٨١)، سفر در مه، تهران نشر گاه.
- خانلری، پرویز (١٣٤٥)، وزن شعر فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- داد، سیما (١٣٧٨)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: نشر مروارید.
- روزبه، محمد رضا (١٣٧٩)، ادبیات معاصر ایران، تهران: نشر روز گار.
- زرین کوب، عبد الحسین (١٣٤٦)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (١٣٩٢)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: نشر آگه.
- (١٣٩١)، موسیقی شعر، تهران: نشر آگه.
- شمیسا، سیروس (١٣٧٤)، سبک شناسی، تهران: نشر میترا.
- (١٣٧٤)، سیر غزل در شعر فارسی، تهران: نشر فردوسی.
- صفوی، (١٣٩٠)، از زبان شناسی به ادبیات، تهران: نشر سوره مهر.
- غلامعلی زاده، خسرو (١٣٧٧)، ساخت زبان فارسی، تهران: نشر احیای کتاب.
- فلاحتی، زیبا (١٣٨٣)، قالب های سنتی شعر پس از انقلاب اسلامی، چاپ اول، شیراز، نوید.
- کاخی، مرتضی (١٣٧٠)، باغ بی برگی، تهران: نشر آگه.
- کاظمی، روح الله (١٣٨٨)، سبب نقره ای ماه، نقد غزل های حسین منزوی، تهران: نشر مروارید.
- گیوی احمدی، حسن (١٣٨٧)، کتاب دستور طبیان فارسی، تهران: نشر فاطمی.
- محمدی، عباسقلی (١٣٨٤)، رازهای خلق یک شاهکار ادبی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- منزوی، حسین (١٣٨٧)، حنجره ی زخمی تغزل، تهران: نشر آفرینش.
- (١٣٨٩)، گلچین غزلیات حسین منزوی، به اهتمام محمد کاظم محمدی، تهران: نشر کاج.
- نیرومند، کریم (١٣٤٧)، سخنوران و خطاطان زنجان، زنجان: موسسه مطبوعاتی زعفری.

مقاله ها

- آریان، حسین و دیگران (١٣٩٤)، تحلیل ساختار زبانی، اشعار مهرداد اوستا، مجموعه مقالات ترویج زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- سیف، عبد الرضا و عظیمی محمد جواد (١٣٩٤)، دور، وزن دوری و منشا اختیارات شاعری در وزن دوری، نشریه علمی - پژوهش ادب فارسی، سال پنجم، شماره ٢.
- طاهری، جواد و سمیه سلیمانی (١٣٩١)، نوآوری های حسین منزوی در غزل، فصلنامه علمی - پژوهشی ادب و عرفان، دوره ٣، شماره روزنامه شرق، ١٣٨٣، سال اول، شماره ٨٢، پنج شنبه، ١٧ اردیبهشت.

Persian Sources

- Ahmed, Zumaya Hassan, (semantics), ministry of Education.
- Anwari, Hassan (1390), Persian Grammar, Isfahan, Fatimid culture foundation.
- Usta,Mehrdad (1370), Rama group, A collection of poems, 1edition, Tehran, spreads of raja culture.
- Bagger, Mehri (1375), Introduction to linguistics, Tehran, publish Qatar.
- Bihar, Mohamed Taqi, (1386), the style or history of the development of person prose 1, Tehran: Zora publish.
-(1383), prose style, p 8, Tehran, Amir caber publication's.
- Purnamadaryan, Taqi (1381), travel in the fog, Tehran kah publish.
- Khanlery, Pervez (1345), Persian poetry Iranian, Tehran, Iranian culture foundation.
- Dad, semi (1378), dictionary of literary terms, Tehran, morwarid publish.
- Roozbeh, Mohammad Redah (1379), Contemporary literature of Iran, Tehran, Rose qarr publishing.
- Zrin Cobb, Abdu Hussein (1346), poetry without lies, p 1, Tehran, scientific publications.
- Shafie Kadkany,Mohammad Redah (1392), images of imagination in Persian poetry, Tehran, elk publish.
-(1391), poetry music, Tehran, kea publish.
- Shamisa, Cyrus (1374), Literature style, Tehran, mitral publish.
-(1376), the way of spinning in Persian poetry, Tehran, Ferdowsi publish.
- Safavi, Cyrus (1390), from linguistics to literature, Tehran: surah mehr publish.
- Ayal , lamia kazem (40), Analysis of actual formulas in the story cloud in the sky, languages journal.
- Gala Moalizadehi, khosrow (1377), constructing the Persian, language ihy book.
- Ghaylan widad Hashem Erin (218), metaphor references in European painting, An analytical study, professor magazine.
- Falahi, Zibal (1383), traditional poetic forms after the Islamic revolution, p 1, shiraz navid.
- Kakhi, Murtaza (1370), leafless garden, Tehran, aka publish.
- Kadima, Spirit of All (1388), the silver apple of the moon, criticism of ghazel Hussain Manzawi, Tehran, morwarid publish.
- Kiwi Ahmadi Hassan (1387), Persian Grammar book, Tehran, fatimi.
- Mohammed al Maliki Aqeel Abdul Hussein , Abdel Qaisi Mustafa Ali (141), study the type of verb in a poetic collocation, if you had a thousand pens, "jaleh Isfahani, literature magazine.
- Mohammedi, Abbasgli (1384), secrets of creating a literary master piece, meshed, frdosy university.
- Manzwi, Hassan (1387), in faceted yarn, Tehran, afrinish, publish.
-(1389), A collection of ghazels with the interest of Muhammad Kadeem mohamdi, Tehran: cage.
- Normand Karim (1347), zanzan speakers, safari publication forndation.
- Youssef Abdul Rahman Farhan Hamad, Hammed mar Hun (47), the morphological structure of nouns and verbs in the writers novel dashi Aaron up field, morphological study, language magazine.

Articles

- Aryan and Decran (1394),linguistic structure analysis mahram usta pomes, A collection of articles promoting literature and Persian language, mohaqiq Ardabil Univar sity.
- Safi Abdul Reza, Adeami Mohammed jawed (1394), the weight of the distance and the strong origin of the poet in weight of the distance, scientific jounrdl, Persian literature research.
- Tahir, Jawad Zumaya Suleiman (1391), innovations quarterly scientific research, Research literature and gratitude the third period, turn 3, number 2.
- East Magazine (1383) , first year, wends day.

Arab Source

- Taya, Mohsen Ali (2009), the Arabic language, its levels and applications, curriculum house Jordan.